

باورها و خرافات در فرهنگ ایرانی

سحر بهزادی

۱ کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، موسسه غیرانتفاعی هشت‌بهشت پویا اصفهان، ایران

ایمیل: Saharbehzadi2016@yahoo.com

چکیده

خرافات نگرش یا رفتاری است که براساس ترس، تهدید، عادت و عوامل ناشناخته‌ای به ذهن فرد خطور می‌کند تا براساس نگرش او از اتفاقات ناخوشایند جلوگیری کند. این رفتار بر مبنای کنش منطقی و روابط علت و معلولی نیست. اگرچه گسترش سطح سواد و فرهنگ عمومی جامعه منجر به کاهش اعتقاد خرافی می‌شود، اما باید اذعان کرد حتی انسان‌های مدرن نیز نمی‌توانند به طور کامل خرافات را رد کنند یا عملاً از آن خلاص شوند. پژوهش حاضر، با تحلیل محتوایی علل رواج این باورها در فرهنگ ایرانی، چگونگی کاربرد آن‌ها را بررسی می‌کند. با اینکه رواج باورهای خرافی بر پایه‌های غیرعقلانی استوار است، بشر برای واداشتن به امری یا بازداشتن از کاری، تسکین، تلقین و انتقال شر و در سطحی کلی برای جلب منفعت یا دفع ضرر از خرافات استفاده می‌کند.

کلیدواژه‌ها: باورها و خرافات، آداب‌وسنن، فرهنگ ایرانی، قومیت

مقدمه

تاریخ دیرین حیات بشری گواه تلاش‌ها، رنج‌ها و نزاع‌های صورت‌گرفته بر سر فهم و معنادهی به طبیعت، هستی، خدا و رابطه خدا با آن‌ها بوده است؛ پیامبران با تکیه بر نیروی وحی، فیلسوفان به کمک عقل و منطق و دانشمندان با یاری علم و تجارب بشری؛ همگی تلاش کرده‌اند تا به پرسش‌های اصیل بشر پاسخ گویند و انسان را به سمت زندگی بهتر و متعالی‌تر سوق دهند. در این میان مردم جوامع مختلف نیز به صورت فردی و جمعی، باورها و اعتقاداتی را راجع به طبیعت و انسان و نیروهای حاکم بر آن‌ها شکل داده و آنرا در قالب فرهنگ، از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده‌اند. باورهایی که گاهی توسط خداوندگاران «زر و زور و تزویر» تولید و ترویج می‌شده و لباسی از تقدس به تن می‌کرده و دستاویز فرادستان می‌شده است. یکی از این موضوعات که در حیطه اعتقادات و باورها معرفی می‌شود و ذهن مردم را به خود مشغول داشته، دسته ویژه‌ای از باورهاست که تحت عنوان خرافات^۱ از آن‌ها یاد می‌شود. این دسته از عقاید بنا بر ماهیت شهودی که دارند، مورد مناقشه بوده و همواره جهت‌گیری‌های موافق و مخالفی را به همراه داشته است. تعدادی از این باورها ریشه قومیتی دارند و در حیطه یک جغرافیای خاص شناخته می‌شوند و برخی دیگر از آن‌ها بین‌المللی هستند. از گذشته دور تاکنون بخش بزرگی از فرهنگ عامه به این مفاهیم اختصاص داشته و با شیوه‌های بنیادین اندیشیدن و احساس کردن؛ و به‌طور کلی نحوه پاسخگویی و بازخورد انسان‌ها به محیط را تحت‌الشعاع خود قرار داده است.

در مورد خرافه‌پرستی و باورهای غلط تحقیقاتی انجام شده که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد تاثیر خرافات و عقاید انحرافی بر گسترش بیماری‌ها در عصر قاجار (فیاضی). بررسی میزان گرایش به خرافات در بین شهروندان تهرانی (فروغی و عسگری مقدم). کاربرد واژه‌های تحقیرآمیز در قبال «دیگری» در منابع مسلمانان با تمرکز بر شبکه مفهومی خرافات (شیراوند). از کرامات تا خرافات؛ با تأکید بر اسرارالتوحید و مقامات ژنده‌پیل (قربانپورآرانی، حیدری رامشه). بازتاب باورهای خرافی در مثنوی؛ مقاله علمی-پژوهشی (صرفی). بررسی عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با خرافات (صفایی، طیبی‌نیا و عرفانی). مطالعه احساس امنیت روانی و اجتماعی با گرایش به خرافات مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان (دهقانی و ابراهیمی). توسعه اجتماعی-اقتصادی و تاثیر آن بر تلقی افراد از چیستی خرافات، مطالعه‌ی موردی: شهرستان‌های استان اصفهان (ربیعی). بررسی مقایسه‌ای رسوخ خرافات در نگرش به شیوه‌های بهداشتی و درمانی عامه مردم و تحصیل کرده‌های دانشگاهی استان کهگیلویه و بویراحمد (رضانی). ریشه‌های خرافات و کارکردهای آن‌ها در فرهنگ مردم، مورد مطالعه: باورهای مردم کرمان (جهانشاهی افشار و شمس‌الدینی مطلق). بازتاب آیین‌ها، خرافات و باورهای عامیانه در خمسه خواجهی کرمانی (افاضل). ما و خرافات (احمد اکبری). بررسی رابطه محرومیت اجتماعی با گرایش به خرافات (خانی، علمی، غفاری و اسماعیلی). تحلیل نمادهای ماه در باورهای عامیانه ملل مختلف به‌استناد ابیاتی از شاعران بزرگ پارسی‌گوی (عسگرنژاد). باورهای پایه (فتحی زاده، اعوانی). بازکاوی مسأله خرافات و مبارزه با آن از منظر آیات و روایات (شیرپور، کریمی‌نیا، انصاری مقدم). مطالعه نقش جادو و جادوگری در شاهنامه با تمرکز بر جادو در داستان ضحاک و رستم (محمودی زیرآبی، معقولی). مسیحیت در چنگال خرافات (خیرخواه). خرافات مولود عفریت جهالت (خاشعی). خرافات چگونه پیدا شده‌اند؟ (بهنژاد). افسانه‌های ملل (جعفری قنواتی). بررسی ارتباط روانشناسی خرافات با موجود افسانه‌ای آل (خیراندیش و جاویدی). بررسی فراوانی اعتقاد به خرافات و عوامل مرتبط با آن در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان (ثروت یاری، گروسی و یوسفی). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به خرافات؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد واحد اردبیل (اقباله عزیزخانی، ابراهیمی و آبتین). نقد روانشناسی باورهای خرافی در دیوان فرخی سیستانی و منوچهری دامغانی (پورالخاص و نجفی). عوامل اجتماعی-فرهنگی مرتبط با گرایش به خرافات در بین زنان ساکن در مناطق حاشیه‌ای شهر یزد (افشانی و شیخ‌علیشاهی).

¹ Superstitious

مفاهیم و تعاریف

خرافه در عرف لغوی، سخن بیهوده و پریشان ولی خوشایند یا عدت و عقیدتی بیرون از مبنای حق و ناسازگار با آموزه‌ها و موازین شرع و حتی عرف (فرهنگ معین، ۱۳۹۱: ۱، ۱۹۰۵). عقیده‌ای باقی‌مانده از گذشته، فاقد جهت عینی و یا توجیهی را گویند (ساروخانی، ۱۳۹۹: ۸۹۹).

«کوهلر» معتقد است: خرافه یک اعتقاد غیرمعقول یا غیرعلمی در مورد ایفای نقش پدیده‌ها در جهان است که این اعتقاد یا براساس تقلید شکل گرفته و یا با تمایلات اغلب مریض‌گونه همراه است.

بنابراین خرافه همواره ملازم طلسم، معجزه و جادو است و پاراداکس اعتقاد دارد خرافات به قوای مرموز سحرآمیزی اشاره دارد که از دنیای تخیلات ریشه گرفته، با فرهنگ آمیخته و درون اجتماع به‌عنوان یک امر طبیعی پذیرفته شده است (فروغی، ۱۳۹۸: ۱۵).

جاهودا^۲ خرافات را این‌گونه تعریف می‌کند: «هر نوع عقیده یا عمل نامعقول و وحشت غیرمنطقی با ترس از یک چیز ناشناخته و مرموز، یا تردید یا عادت‌هایی که پایه آن ترس یا جهل باشد، خرافه نامیده می‌شود (جاهودا، ۱۳۹۱: ۵). در دوران باستان، دانش بشر در مراحل اولیه خود بود، همچنین قادر به تشخیص علل حوادث و پدیده‌های طبیعی و غیر طبیعی بود و از سوی دیگر به علت نداشتن ابزار و تکنولوژی و نبود علم لازم برای مبارزه با حوادث طبیعی، زندگی‌اش با مصیبت و سختی‌های بزرگی همراه بود. این دو مسأله یعنی جهل و نادانی و سختی‌های آزاردهنده، بستر لازم را برای به وجود آوردن اندیشه‌های نادرست و خرافات در انسان‌های اولیه فراهم آورد.

مقوله فرهنگ به دو بخش فرهنگ مادی و فرهنگ غیرمادی تقسیم می‌شود. بخش مادی به فناوری، ابداعات و اختراعات اطلاق می‌شود و پندارها، رفتار و عقاید انسان (که خرافات و افسانه بخشی از آن هستند)، بخش غیرمادی فرهنگ را می‌سازند؛ در طول تاریخ همیشه این باورها و افسانه‌ها بر رفتار انسان‌ها تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند. پس مطالعه آن‌ها به‌عنوان عنصری از فرهنگ باید مورد توجه قرار گیرد (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۷۸).

خرافه کلمه‌ای عربی از ریشه «خرف» است که معنای چیدن میوه و یا پیری و فرتوتی می‌دهد. همچنین کلمه خریف به معنی پاییز هم از همین ریشه مشتق شده است. خرفه با ضم حرف خ به معنی حکایت، قصه و یا عقیده‌ای فاسد و رأی باطل است که جمع آن خرافات است. خرافه‌پرستی نیز عبارت‌است از: پیروی از عقاید باطل و بی‌اساس که با درجه فرهنگ و دانش جامعه‌ای که فرد خرافی متعلق به آن است، تناسبی نداشته باشد. همچنین از خرافات در کتب مختلف به حدیث باطل، سخن بیهوده و یاوه (عمید، ۱۳۶۵، ص ۱۰۰۱)، سخن موهوم و افسانه‌ای، درک نادرست علت‌ها و معلول‌ها، ترس از ناشناخته‌ها و اعتقاد افراطی به تأثیر عوامل ماوراءالطبیعه در زندگی بشر، هر نوع عقیده نامعقول و بی‌اساس (فرهنگ اکسفورد) نیز یاد می‌شود. این واژه کمتر به‌صورت شبکه‌ای و در کنار واژه‌های متناظر و مشابه مطالعه شده است. رابرت اینگرسول^۳ از خرافات یک تعریف عملیاتی ارائه می‌دهد. به نظر وی خرافه شامل باور به این موارد است:

اعتقاد به پدیده‌هایی که شواهد تجربی برای آن موجود نباشد؛ اعتقاد به اینکه جهان به وسیله شانس و هوس هدایت می‌شود؛ تخمین یک راز به وسیله راز دیگر؛ ارائه افکار، تمایلات و مقاصد با اشاره به طبیعت اولیه آن‌ها؛ اعتقاد به این که ذهن قادر به کنترل پدیده‌هاست؛ اعتقاد به این که نیروها خارج از ذات خود هستند؛ اعتقاد به ماوراءالطبیعه و اعتقاد به معجزه، سحر، طلسم و غیب‌گویی. تعریفی که اینگرسول از خرافه ارائه می‌دهد، مبنای بسیاری از تعاریف ارائه شده در حوزه اعتقادات خرافی می‌باشد

² Kohler

³ Dr.R.S.Parada

⁴ Marie Jahoda

⁵ Robert Green "Bob" Ingersoll

و آنچه بر اعتبار تعریف اینگرسول افزوده و مبنای تعاریف بسیاری از صاحبان نظران قرار گرفته وسعت تعریف و عملیاتی نمودن مفهوم خرافه است.

سخن موهوم و افسانه‌ای، درک نادرست علت‌ها و معلول‌ها، ترس از ناشناخته‌ها و اعتقاد افراطی به تأثیر عوامل ماوراءالطبیعه در زندگی بشر، هر نوع عقیده نامعقول و بی‌اساس (فرهنگ آکسفورد) نیز یاد می‌شود. بر همین اساس در کتب پژوهشی مختلف تعاریف مختلفی از خرافات ارائه شده است که در ادامه به پاره‌ای از این تعاریف اشاره می‌شود:

هر نوع عقیده یا عمل نامعقول و وحشت غیرمنطقی با ترس از یک چیز ناشناخته و مرموز و خیالی. تردید یا عادت‌ی که پایه آن ترس یا جهل باشد، خرافات نامیده می‌شود (جاهودا، ۱۳۶۳: ۵).

تاریخچه خرافه پرستی

اگر بخواهیم تاریخ پیدایش خرافه پرستی را استخراج کنیم، به قدمت پیدایش بشر تاریخچه دارد. زیرا انسان پس از شناخت خود، درصدد بر آمدن با کمک وسایلی از حوادث آینده مطلع شود و از وقایع ناخوشایند جلوگیری کند تا بتواند بر ترس‌ها و نگرانی‌های خود فائق آمده و به نوعی به احساس امنیت دست پیدا کند.

در دنیایی که انسان‌ها از پریشانی و نابسامانی فکری رنج می‌برند، در پی یافتن راه گریزی هستند تا از نگرانی‌ها، ناامیدی‌ها، شکست‌ها و حقارت‌ها نجات پیدا کنند. در این جستجوها گاه به افکار و اعمال خرافی روی می‌آورند تا از راهی کوتاه و بدون دردسر به نتیجه مطلوب دست پیدا کنند. هر انسان عاقلی می‌داند که آنچه که در آن ضرر و زیان نهفته است باید از آن پرهیز کند. اما برخی زیان‌ها به دلیل اشاعه آن در کلیه سطوح اجتماعی و کاربرد آن در میان تمامی آحاد یک جامعه به چشم نمی‌آید و مردم جاهلانه و بدون توجه به ضرر و زیان از آن پیروی می‌کنند.

حتما نمونه‌هایی از این خرافات را شنیده‌اید:

- آب ریختن پشت سر مسافر
- زدن به تخته برای جلوگیری از چشم زخم
- اگر بر روی استکان چای تفاله یا بند چای دیده شود، نشانه آمدن مهمان است.
- اگر کف دست راست بخارد، پول نصیب شخص می‌شود؛ و اگر کف دست چپ بخارد پول از دستش می‌رود.
- نحس بودن روز سیزدهم هر ماه
- اگر هنگام تحویل سال درهای خانه باز باشد برکت و روزی وارد آن خانه می‌شود.
- بدشگون بودن آواز کلاغ
- اگر کسی عطسه کند باید آن کار را عقب انداخت.
- بستن قفل به ضریح امامان و امامزاده‌گان
- کفش‌ها روی هم بیفتد نشان‌دهنده در پیش داشتن سفری نزدیک است.
- زدن قیچی به هم منجر به دعوا می‌شود.

از نظر قرآن جهل و تقلید کورکورانه خرافات محسوب می‌شود: «بگو ای اهل کتاب در دین خود به ناحق گزافه‌گویی نکنید و از پی هوس‌های گروهی که پیش از این گمراه گشتند و بسیاری از مردم را گمراه کردند و [خود] از راه راست منحرف شدند نروید» (مائده، ۷۷).

خرافات یک پدیده روحی و اجتماعی است. هنگامی که عقل و خرد کنار گذاشته می‌شود، اوهام و خیالات به سراغ انسان می‌آید؛ اینجاست که باید انتظار بوجود آمدن یک پدیده خرافی در جامعه را داشت. گاهی اوقات، سایر افراد برای هم‌رنگ شدن با جماعت، خود را ملزم به تبعیت از یک پدیده خرافی می‌کنند. طبق تحقیقات انجام شده زنان بیشتر از مردان به دنبال افکار خرافی هستند. رواج خرافات در جامعه مضر است و موجب روی آوردن مردم به رؤیا و تخیل می‌شود و مردم اسباب و علل منطقی را کنار می‌گذارند و به علل و عوامل ماورایی که پایه و اساس درستی ندارند متوسل می‌شوند. همچنین گرایش به خرافات در جوامع جهان سوم و فقیر و افراد کم‌سواد بیشتر دیده می‌شود زیرا در هر جامعه وقتی خواسته‌ها و نیازهای مردم بر

آورده نشود، به خرافات روی می‌آورند تا از این طریق به خواسته‌های خود دست پیدا کنند. گرچه نمی‌توان گرایش افراد تحصیل‌کرده و کشورهای پیشرفته را به خرافات نادیده گرفت؛ چنان‌که مردم انگلستان بالاترین گرایش به خرافات را در میان کشورهای پیشرفته دارند (فروغی و عسگری مقدم، ۱۳۸۸).

بنابر آنچه گفته شد، رواج خرافه در جامعه بسیار مضر است و انسان را دچار خمودگی و تنبلی می‌کند و از تلاش و کوشش واقعی برای رسیدن به خواسته‌ها باز می‌دارد و مانعی برای رشد خرد و منطق انسان‌ها است. متأسفانه خرافات به راحتی و سهولت وارد اجتماع می‌شود به دشواری می‌توان آن را از افکار زدود. چه‌بسا اعتقاد به خرافات و عمل به آن موجب ازهم‌پاشیدگی برخی زندگی‌ها و ایجاد بحران در جامعه شده و اعتمادها را از هم می‌گسلد. راه‌حل مبارزه با خرافات در وهله اول ریشه‌یابی خرافه به وجود آمده و جلوگیری از رواج آن در جامعه است. قدم دوم آموزش مستمر به مردم و افزایش سطح آگاهی آنان است.

گونه‌شناسی خرافات

دایره‌المعارف بریتانیکا چهار نوع خرافه را دسته‌بندی می‌کند:

۱. عبادت ناشایست خدای واقعی
۲. بت پرستی
۳. فال‌گیری
۴. عقاید باطلی چون جادو و جنبل

این دایره‌المعارف پس از طبقه‌بندی خرافات، به صورت جزئی انواع خرافات را خارج از موارد زیر نمی‌داند: طالع‌بینی، تفال به هوا، طلسم، غیب‌گویی یا کف‌بینی، تفال به وسیله آینه، تفال به وسیله نمک، فال‌گیری با ورق، رمل و اسطرلاب، تفال به وسیله آب، پرستش خورشید، ماه، ستارگان و حیوان‌پرستی، شیطان‌پرستی، غیب‌گویی، احضار مردگان، روح‌گرایی و پیش‌گویی از طریق خواب، طلسم عشق، جادو و جنبل.

دسته‌بندی دیگری که در مورد انواع خرافات انجام گرفته، مربوط به دکتر یوسف فضایی است.

او در مقاله خود پس از تعریف خرافات و اوهام، خرافات را به شش دسته تقسیم می‌کند که این گروه عبارت‌اند از:

۱. کهانت و پیشگویی حوادث آینده
۲. جن‌گیری و ارتباط
۳. طالع‌بینی
۴. فال‌بینی و دعانویسی
۵. توسل به جادو، طلسم و تعویذ
۶. عقیده به حاکمیت سرنوشت؛ عقیده به بخت، شانس و قسمت

در ارتباط با مورد دوم، نکته اینجاست که نفس اجانبین و وجود آن در بسیاری از متون و کتب اسلامی تأیید شده و حتی بسیاری از یافته‌های علمی جدید نیز مؤید وجود آنهاست. اما این یک چیز است و نحوه بهره‌برداری از آن و ادعاهایی که عوام در مواد تسخیر یا به‌کارگیری اجنه می‌نمایند مسأله دیگری است. آنچه در این تحقیق مورد بررسی قرار خواهد گرفت، ادعاهای افرادی است که مدعی وجود تسخیر روح و جن هستند.

منصور نیک‌پناه نیز معتقد است که چهار نوع خرافه در بین جوامع رایج است:

۱. خرافات به‌عنوان جهان‌بینی؛ اعتقاد به ارواح (پرستش درخت، رودخانه، حیوانات، ارواح نیاکان، که فتیشیسم و آنیمیسم از این دسته‌اند).

۲. خرافات اجتماعی: خوش‌شانسی، بدشانسی، به تخته زدن، طلسم، تعویذ، آینه شکستن، جاهای مراد، عطسه کردن

۳. تجربه‌های غیبی: اشباح، خانه‌های جن زده، پیشگویی و کهانت

۴. خرافات شخصی: تصور شخصی در مورد سعد و نحس بودن رنگ‌ها، روزها، مکان‌ها و ...

طبقه‌بندی‌هایی که تاکنون در مورد انواع خرافات انجام گرفته است، هر کدام در نوع خود بسیار جالب و قابل توجه هستند، اما بعضاً اصول اولیهٔ جامعیت و مانعیت را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند، لذا با امعان‌نظر به طبقه‌بندی‌های انجام گرفته و با بررسی زمینه‌های مشترک اعتقادات خرافی، طبقه‌بندی زیر که اکثراً براساس هدفی که در گرایش به خرافات وجود دارد، به چهار دسته تقسیم شده است:

اعتقاد به نیروهایی که در طبیعت هستند

این دسته از خرافات به مواردی ارتباط دارد که به ابعاد ماوراءالطبیعی زندگی انسان‌ها اشاره می‌کند و در واقع این دسته از باورها بیشتر حالت شهودی دارند. در این طبقه، باورهایی چون: احضار و ارتباط با ارواح، احضار و ارتباط با اجنه و جادوگری را می‌توان نام برد.

پیش‌بینی حوادث آینده (پیشگویی)

دستهٔ دیگر از باورها ماهیت پیشگویی و پیش‌بینی حوادث آینده دارند و مواردی چون فال‌گیری، طالع‌بینی و کف‌بینی از این نوع می‌باشند.

دور کردن بلا و مصیبت

تعدادی دیگر از باورها در میان مردم وجود دارد، شامل مراسمی است که به منظور دور کردن بلا و مصیبت انجام می‌گیرد که در این گروه آیین‌هایی چون: آویزان کردن مهره مار، اسفند دود کردن و تخم مرغ شکستن قرار می‌گیرد.

دست‌یابی به خواسته‌ها و نیازها

دستهٔ دیگر از انواع باورهای عام ناظر بر این بعد است که خرافات در خدمت افراد قرار می‌گیرند تا دخل و تصرفی در پدیده‌ای به وجود آورند که این دخل و تصرف معمولاً برای برآوردن نیاز یا خواسته‌ای از بشر به کار می‌رود. در این طبقه مواردی چون افسونگری، درمان بیماری‌های لاعلاج، چیزخور کردن افراد قرار می‌گیرد (فروغی و عسگری مقدم، ۱۳۹۸).

دلایل گرایش به خرافات

بنا به نظر شعبی (۱۳۹۲: ۱۴)، خرافه باعث ایجاد نوعی احساس تسلط در انسان، کمک به حفظ یکپارچگی شخصیت فرد (این احساس تسلط هر چند خیالی باشد باز هم ممکن است واقعاً کمک کنند که یکپارچگی شخصیت فرد حفظ شود). ایجاد نوعی احساس امنیت و اعتماد به نفس کاذب در افراد می‌شود. اگر چه این نظر حکمی جزمی است و پذیرش آن جای تأمل دارد؛ اما دوری از عقلانیت، عدم اعتماد و امید به آینده، ناتوانی از درک امور، اضطراب و نگرانی از حل مسائل و مشکلات به روش منطقی و پایین بودن سطح بینش اجتماعی را می‌توان از مهم‌ترین علل گرایش به خرافات به شمار آورد.

در واقع خاستگاه حقیقی خرافات را باید در ناتوانی انسان و مساعی گرفتن برای توضیح اسرار طبیعت و وجود خویش، آرزوی مطلوب و خوش‌یمن ساختن سرنوشت، بر کنار ماندن از بدیمنی‌ها و عواقب بد و مواردی از این قبیل دانست و رواج آن‌ها در جامعه با اهداف واداری، بازداری، تسکین، انتقال شر (بلاگردان) و تلقین؛ گسترش فرهنگ عامه است که می‌توان آن‌ها را در دو هدف کلی: جلب منفعت و دفع ضرر خلاصه کرد که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

جلب منفعت و دفع ضرر و خطر، ویژگی طبیعی بشر برای بقای ذات و افزایش سطح رفاه زندگی است و معمولاً باورهای خرافی در میان افرادی رواج دارد که به کارکرد و منافع این باورها اعتقاد دارند. از این‌رو، می‌کوشند با تصدیق برخی باورها، فرد را به انجام امری وادار کنند یا از انجام کاری باز بدارند و گاه نیز با توسل به این باورها خاطر خود را تسکین دهند، موفقیت و امید را به خود تلقین کنند و بعضاً شری را از خود دور کنند؛ و آسیب و نحوست نهفته در آن را به کسی با شیء ای دیگر منتقل کنند (گونه‌شناسی خرافات، از دیدگاه قرآن کریم، اولین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی، ۱۳۹۵).

واداری

از جمله علل گرایش به خرافات، واداشتن افراد به کاری است که دیگران و بعضاً خود آنان از آن سود می‌برند؛ اما خود بدان واقف نیستند. بدین‌منظور، یک سری بایدهایی را که افراد باید به آن‌ها آراسته شوند، در قالب باور رواج می‌دهند. در واقع با

تحریک افراد به رعایت این باورها، آنان را از یک سری بدیمنی‌ها که از عدم رعایت این باورها منتج می‌شود، دور می‌سازند و با تعیین پاداش‌هایی آن‌ها را به انجام این امور تحریک می‌کنند. بنابر علم روان‌شناسی، پاداش در واقع پاسخی است که این افراد از انجام این عمل دریافت می‌کنند. برخی نمونه‌های «واداری» به شرح زیر است:

- اگر جشن عروسی یا ولیمه کسی که از حج برگشته، در خانه کسی برگزار شود خوش‌یمن است.
- اگر دختر و پسری از کوچکی به اسم هم باشند. اما با هم ازدواج نکنند، یکی از آن‌ها می‌میرند.
- اگر زن حامله غذایی هوس کند، آن غذا را به او ندهند، چشم‌های بچه‌اش کم‌سو می‌شود.
- اگر دارو را از دردمند مضایقه کنند، به درد مبتلا می‌شوند.
- اگر زنان هنگام آشپزی سر قابلمه غذا بخورند، بین آن‌ها جدایی می‌افتد.
- اگر زنی در دوران بارداری بداخلاق شود، بچه‌اش دختر می‌شود.
- اگر شوهر زن باردار خوش‌اخلاق باشد بچه‌اش پسر می‌شود (صرفی، ۱۳۹۱: ۱۸-۵۲).

بازداری

تعجب آور نیست که مردم خرافاتی به سبب احساس اضطراب، افسردگی و عدم کنترل بر رویدادهای زندگی از نوعی آسیب روانی رنج می‌برند (سیا و دیگران، ۲۰۱۲: ۱۰۸). اگر افراد احساس امنیت نداشته باشند، بیشتر به خوش‌یمن یا بدیمن بودن رفتارها گرایش پیدا می‌کنند. در گذشته گاهی اوقات نیاز بود که افراد از انجام اموری که در جامعه ناپسند بود، باز داشته شوند و دلیل عقلانی بستر عقلی لازم هم برای متقاعد کردن افراد وجود نداشت، از این‌رو، وانمود می‌شد که انجام این امور، منافع زندگی و سعادت فرد را به خطر خواهد انداخت یا حتی گاهی اوقات خطر عدم رعایت این امور متوجه زندگی افراد خواهد بود. لذا بعضی از باورها حکم کنترل غیررسمی افراد را دارند و رعایت آن‌ها، مردم را از ضرر و زیان دور نگه می‌دارد. در واقع، ترس از آسیب و زیان متحمل، نوعی ضمانت برای رعایت برخی امور ایجاد می‌کند. برای مثال: هنگامی که ازدواج در جامعه به خصوص برای دختران اهمیت داشت، افراد از اموری که این امر را به تعویق می‌انداخت، دوری می‌گزیدند.

از سویی دیگر، مهم‌ترین اهرم در این زمینه تهدید به مخاطره افتادن حیات و بقای افراد بود؛ بقایی که حفظ آن، مهم‌ترین هدف بشر محسوب می‌گردید. بنابر غریزه حب ذات، بشر برای پرهیز از به مخاطره افتادن حیات خویش رعایت برخی محرک‌ها را ضروری می‌شمرد و از هر چه جان و مال و آبرو و آسودگی او را به خاطر می‌انداخت، اجتناب می‌کرد. نمونه‌هایی از این باورها که جنبه بازداری دارند، به شرح زیر است:

- اگر فرد آب درون سوراخ مورچه بریزد، جوان مرگ می‌شود (مؤیدمحسنی، ۱۳۸۱: ۴۸۶).
- اگر بچه‌ای سگی را با سنگ بزند پدر و مادر او با هم دعوا می‌کنند. اهمیت سگ در جامعه روستایی به‌عنوان نقش نگهبان و هوشیار کردن مردم از خطراتی که مال و جان و منزل آن‌ها را به خطر می‌اندازد، باعث گسترش این باور شد که نباید سگ را کتک زد.
- اگر دختری قهر کند، شوهر می‌خواهد (صرفی، ۱۳۹۱: ۱۷۵).
- اگر زن حامله گوشت را روی آتش کباب کند و گوشت آغشته به خاکستر را بخورد، جنینش تغییر شکل می‌دهد و ناقص به دنیا می‌آید.
- لخت خوابیدن باعث فقر و بدبختی می‌شود.
- اگر ناخن چیده شده روی فرش و روی زمین ریخته شود، گرفتاری و بدخلقی پیش می‌آید.
- آهو و کبک چشمشان شور است و نباید آن‌ها را در منزل نگه داشت.
- اگر به آینه شکسته نگاه کنی، بختت بسته می‌شود.
- اگر تازه عروس قبل از چهل روز به مزار برود، باردار نمی‌شود.
- اگر دختران پس از خرید از نانوايي در بين راه نان بخورند، دير ازدواج می‌کنند.

- اگر زن حامله‌ای شب از زیر درخت یا تنها از اماکن متروکه رد شود، سایه جن‌ها روی سرش می‌افتد و بجهاش سقط می‌شود.
- شکار حیواناتی از قبیل آهو، کبک، کبوتر و گنجشک اگر جنبه تفریح داشته باشد، عمر شخص را کوتاه می‌کند.
- اگر از نانی که در کیسه شخص فقیر است، لقمه‌ای بدزدند و بخورند، هر خوابی را که ببینند، فراموش نمی‌کنند (مؤید محسنی، ۱۳۹۱: ۱۹۹).

تسکین

مطالعات روان‌شناسی نشان می‌دهد معمولاً در مواقع حساس و لحظاتی که عدم اعتماد و اطمینان به آینده وجود دارد، خرافات زاده می‌شود، از جمله در رویارویی با مسائلی همچون تولد، مرگ، بیماری، قحطی، فقر، حوادث طبیعی و پیشامدهایی از این قبیل که همیشه برای بشر اضطراب آور بوده و احساس شکست و ترس و خشم را در پی داشته است. در این مواقع، از آنجا که انسان نمی‌توانستند از راه علم و منطق، دلایلی معقول برای توجیه اتفاقات ارائه نمایند، به اعتقادات خرافی گرایش پیدا می‌کردند تا از اضطراب و تشویش درونی رها شده و تسکین خاطر پیدا کنند (داودیان و ساعدی، ۱۳۹۴: ۱۸). خرافه مسکنی بود تا فرد با استفاده از آن ناتوانی خویش در برابر ترس و واهمه ناشی از برخورد با پدیده‌ها بگریزد. این شیوه برخورد توجیه روان‌شناسانه دارد و با تمسک به خرافه انسان کمی آرامش می‌یابد.

مطالعات وبر نشان می‌دهد شهروندان اسرائیلی که در جنگ اول خلیج فارس، در معرض حملات موشکی بودند، اعتقادات خرافی بیشتری نسبت به شهروندان ساکن در مناطق امن‌تر داشتند (آبوت و شرات، ۲۰۱: ۸۹). ریشه مشترک خرافه این است که بشر از بی‌اطلاعی و عجز و ناتوانی خود در اضطراب بوده است؛ از این رو پیوسته تلاش می‌کرد تا طبیعت را به گونه‌ای به خود بشناساند تا از ترس آن رهایی یابد. بنابراین، خرافه وسیله تسکین عجز بشری است. چون آدمی از درمان دردها عاجز می‌ماند، به تسلی خود می‌پردازد و گذرا بودن همه چیز را دستاویز تسکین خویش می‌سازد (بعضی باورها، برای آرامش و اطمینان خاطر افراد در برابر دغدغه‌ها به وجود می‌آید و رعایت آن‌ها به فرد آسودگی خاطر می‌بخشید (شعبی، ۱۳۹۲: ۱۱). برخی افراد آن‌گاه که دچار نقصان مالی زیادی می‌شوند، معتقدند این قضا و بلایی بوده که خوشبختانه به جای جان آنان بر اموالشان وارد آمده است. در واقع، ریشه چنین رفتاری به این باور بر می‌گردد که وقتی آدمی دچار ضرر و زیانی می‌شد و وضعیت ناخوشایندی برای او پیش می‌آمد، ناراحتی را در پی داشت و با اعتقاد به این باور نوعی تسکین خاطر در او ایجاد می‌شد.

- اگر بچه‌ای بعد از تولد روی پیشانی‌اش نشانه‌ای مثل قرمزی و غیره باشد، می‌گویند جای مهر است و مؤمن می‌شود.
- اگر فرزند نخست خانواده‌ای دختر باشد، برکت می‌آورد.
- اگر زنی آستن باشد و دو فرزند دختر با سه فرزند دختر همزمان با هم به دنیا بیاورد، برای دولت باعث خیر و برکت و پیشرفت می‌شود.
- اگر شب عروسی کسی باران ببارد، خوشبخت می‌شود.
- اگر آینه از دست کسی بیفتد و بشکند، اگر صاحب آینه دختر باشد، بختش باز می‌شود.
- اگر مال یا گوسفندی گم شود با خواندن دعاهایی خاص، گرهی را بر جایی می‌زنند و آن را تا پیدا شدن گم شده باز نمی‌کنند و اعتقاد دارند این کار که «حصار» نامیده می‌شود، دافع بلا و حافظ جان و مال شخص است و اگر دنبال آن هم بگردند، پیدا نمی‌شود، چون در حفاظ حصار قرار دارد.
- در برخی مناطق با قرار دادن طنابی بر روی دیواره آغل گوسفندان، آن‌ها را از گزند گرگ حفظ می‌کنند، بودن طناب به صاحبان گله آرامش خاطر می‌دهد که گرگ توان نفوذ به درون آغل را ندارد (صرفی، ۱۳۹۱: ۶۵).

انتقال شر (بلاگردان)

تدابیری که انسان غیرمتمدن چاره‌گر و در عین حال خودخواه، بدان متوسل می‌شود تا خود را به قیمت درد و رنج همسایه‌اش آسوده سازد، بسیار است. نخست باید دانست شری که انسان درصدد است خود را از آن رها سازد لازم نیست حتماً به انسانی

منتقل شود، می‌تواند آن را به شیء یا قربانی کردن حیوان انتقال داد (فریزر، ۱۳۸۲: ۱۹۳). مردم اعتقاد دارند با ذبح حیوان می‌توان از وقوع بلا جلوگیری کرد. این شیوه در ایران کهن بسیار مرسوم بود و برای دفع شر و نحوست به قربانی حیوانات متوسل می‌شدند و در حال حاضر نیز انجام می‌شود. در مسیر حرکت اسفندیار به زابلستان برای رویارویی با رستم، شتر پیشاهنگ لشکر بر سر دو راهی زانو می‌زند و از حرکت می‌ایستد. اسفندیار این وضعیت را شوم می‌داند و برای دفع شومی آن دستور می‌دهد که شتر را قربانی کنند تا شومی به شتر منتقل شود (فردوسی، ۱۳۸۹: ۵/۳۱۸، بیت ۳۰۹). یا در فرهنگ عامه، چنانچه مرغ به سان خروس آواز بخواند، این آواز خوانی را شوم می‌دانند و برای دفع نحوست مرغ را سر می‌برند. از این شیوه‌ها برای دفع سایر بلاها همچون خشکسالی، قحطی، جنگ، خشم خدایان، بیماری‌ها و غیره نیز استفاده می‌شده است. سعدی در باب ششم گلستان حکایت توانگری را آورده است که پسرش از بیماری رنجور شد و نیک خواهانش گفتند: که مصلحت آن است که ختم قرآن کنی از بهر وی بذل قربانی (سعدی، ۱۳۸۵: ۲۳۵).

در فرهنگ عامه این نوع انتقال و بعضاً دفع شر به گونه‌های مختلف صورت می‌گیرد، از جمله:

- اگر بخواهند آفت یا بیماری را از خود دور کنند، شاخه‌ای از درخت بید جدا می‌کنند و بر آن دعا و اورادی می‌خوانند و با این عمل بیماری و آفت را به آن انتقال می‌دهند تا آن آفت از فرد دور شود.
- اگر کسی دچار بیماری سخت و طولانی می‌شد و بعد نجات پیدا می‌کرد، حتما اسم او را عوض می‌کردند و اسم گل و گیاه برای او انتخاب می‌کردند.
- اگر مرغ اذان بگوید بدیمن است و باید سر آن را برید.
- اگر مرغی در گرما و زیر نور خورشید خوابید، مرغ صاحب‌خانه را می‌طلبید؛ لذا صاحب‌خانه باید آن را بکشد.
- اگر مرغی هنگام غروب چشمش را ببندد و بخوابد، در خانه را باز می‌کنند، اگر مرغ از خانه بیرون رفت باید آن را به کسی بدهند یا بکشند.
- بر تخم مرغ دعای چشم زخم می‌نویسند و پیش پای کسی که چشم خورده می‌شکنند.
- برای برطرف شدن زگیل، به اندازه زگیل‌های دست باید عدس و جو و نخود در پارچه سبزی در محل غابر پیاده بگذارند تا کسی آن را باز کند و زگیل‌ها به دست او منتقل شود.
- به گردن کودک اشیایی برای دور ماندن از چشم زخم می‌آویزند.
- خواندن خروس در شب دوشنبه و پنج‌شنبه قبل از سحر (نیمه شب)، برای خانواده مرغ و نکبت در پی دارد، پس باید صدقه داد تا رفع بلا گردد.
- برای باطل شدن سحر و جادو این باور وجود دارد که لباس را باید پشت رو پوشید.
- حتی برخی افراد برای تحقق هدفی که ابزار رسیدن به آن را در دسترس ندارند، اعتقاد به ریختن خون حیوانی دارند که به‌عنوان نذر، آن‌ها را به هدف نزدیک‌تر می‌سازد، برای مثال: هنگام بیماری فرد به ویژه کودک، گوسفندی را به دور سرش می‌گردانند تا بلاگردان او شود، سپس گوسفند را قربانی می‌کنند.
- نمونه‌هایی از انتقال شر در چین، هند، آفریقا و مناطق دیگر نیز وجود دارد. اعراب برای مداوای درد و رنج عشقی که سر به جنون و مالمخولیا بزند، ظرفی آب بر سر بیمار می‌گذارند و در آن سرب مذاب می‌ریزند. سپس سرب را در محلی باز و وسیع دفن می‌کنند. به این ترتیب، رنج و حرمان از تن بیمار بیرون می‌رود.
- در میان میوتسه‌های چین، وقتی پسر ارشد خانواده به هفت سالگی می‌رسد، مراسمی موسوم به «راندن شیطان» اجرا می‌شود. پدر بادیادکی پوشالی درست کرده در بیابان هوا می‌کند تا همه شرها و بدی‌ها را با خود ببرد.

تلقین

تلقین پیوسته نقش مهمی در زندگی انسان دارد و می‌توان از آن برای منضبط کردن و به کنترل در آوردن نفس استفاده کرد. تلقین فی‌نفسه قدرتی ندارد، مگر اینکه فرد آن را به خود بقبولاند. گاهی اوقات مردم برای حل مشکلات حل شده و با این کار

همه بدی‌هایی که احتمال وقوع داشت، مهار می‌شود و نوعی خوش‌یمنی به سراغشان می‌آید. این تلقین نوعی آرامش را در پی دارد. نمونه‌هایی از این باورها را ذکر می‌کنیم:

- از درب بعضی منازل نمک یا لنگه دمپایی آویزان می‌کنند.
- اسفند و کندر را روی زغال مشتعل برای رفع چشم زخم و اثر چشم حسود دود می‌کنند.
- اعتقاد بر این است اگر فرد سنگی آبی رنگ را به گردن ببندازد، دیگر دچار چشم زخم نخواهد شد.
- اگر آب دهان کسی را که چشمش شور است رو یک تکه شیرینی یا بیسکویت یا نان و هر چیز مشابهی بریزند و به خورد کسی که چشم زخم به او رسیده، بدهند اثر چشم زخم برطرف می‌شود.
- اگر دم روباه را از درخت میوه به گل نشسته (شکوفه کرده)، آویزان کنند، موجب رفع چشم زخم خواهد شد.
- زنان وقتی گندم پاک می‌کنند سوت می‌زنند و معتقدند به این ترتیب باد خواهد وزید.
- هر که روز پنج‌شنبه یک پرنده بگیرد، برایش خوب و خوشایند است.
- اگر جنسیت کودک را به غلط صدا کنند، فرزند بعدی از همان جنسیت خواهد شد.
- اگر چشم انسان دل‌دل بزند، دلیل بر خبر خوب است.
- دیدن کبوتر در آغاز روز، نشان خوش‌یمنی آن روز است.
- اگر کلاغی صبح زود روی پشت‌بام یا دیوار خانه آواز بخواند، معتقدند خبر خوشی می‌رسد یا مسافر از سفر بر می‌گردد.
- آب دهان سید معتمد روی قند باعث شفای بیمار می‌شود (صرفی، ۱۳۹۱).
- شستن ظرف در شب فقر و تنگدستی می‌آورد (مؤید محسنی، ۱۳۹۱: ۴۷۰).
- عقیده دارند اگر هنگام غروب آفتاب، کسی به طلب چیزی از قبیل نان، آب، قند و برنج آمد، باید حبه‌ای قند از او بگیرند و چیزی را که می‌خواهد به او بدهند، وگرنه خیر و برکت از منزل می‌رود (مؤید محسنی، ۱۳۹۱: ۴۶۹).

نیروهای محرک

پشت همه خرافه‌ها میل به داشتن کنترل و قطعیت بیشتر است. ما به دنبال یک قانون یا توضیح برای علت وقوع رویدادها هستیم. ماکس وبر می‌گوید: «گاهی اوقات ایجاد یک قطعیت نادرست بهتر از نداشتن هیچ قطعیتی است». این را اکثر تحقیقات و مطالعات هم ثابت می‌کند؛ مصاحبه‌های کاری، امتحانات و سایر موقعیت‌هایی که دوست داریم کارها خوب پیش بروند صرفنظر از میزان آمادگی یا عملکرد خودمان می‌تواند موجب پدید آمدن افکار خرافی شود. معمولاً موقعیت‌هایی در زندگی‌مان ایجاد می‌شود که اتفاق مهمی باید بیفتد، تا آنجا که توانستیم برای آن خودمان را آماده کرده‌ایم، اما هنوز هیچ‌گونه قطعیتی در مورد وقوع آن‌ها نیست. مهم نیست که چقدر خودتان را برای آن اتفاق آماده کرده باشیم، یا چقدر اعتماد به نفس داریم، هنوز هم هر اتفاقی ممکن است بیفتد و همه چیز خارج از کنترل ماست. خرافات باعث می‌شود مردم فکر کنند که یک کار دیگر برای نزدیک کردن خود به آن نتیجه‌ای که می‌خواهند را انجام داده‌اند. (پایگاه خبری روان‌شناسی و مشاوره، روان‌شناسی خرافات و خرافه‌پرستی، ۱۳۹۶).

خرافه دوست یا دشمن

احساس امنیت و اعتماد مهمترین فوایدی است که از افکار یا رفتارهای خرافی یا باورهای عموم مثل بر داشتن یک شیء یا پوشیدن لباسی که به نظرمان برایمان شانس می‌آورد نصیب ما می‌شود.

فاکس من^۶ (۲۰۰۶): یک تأثیر پلاسیبو مثبت وجود دارد. اگر فکر می‌کنید چیزی کمکتان می‌کند، پس حتماً کمکتان خواهد کرد. اعتقادات و باورها قدرت اعجاب‌آوری دارند. اگر نتیجه فقط به خاطر شانس باشد، اعتقادات دیگر تأثیری نخواهند داشت؛ اما وقتی عملکرد شما عامل مهم در نتیجه باشد، افکار خرافی انرژی بیشتری به شما خواهد داد.

⁶ Foxman

⁷ placebō

ویز^۸(۲۰۰۷): افکار خرافی می‌تواند یک اثر روانی واقعی داشته باشد. مثلاً اگر وقتی یک بلوز خاص را تنتان کنید، همه چیز خوب پیش می‌رود. اگر کمکتان می‌کند که اضطراب را از خودتان دور کنید و افکار مثبت را در شما تقویت می‌کند، پس عاقلانه است که دوباره آن را تنتان کنید. اما اگر آن شیئی که برایتان شانس می‌آورد را گم کنید، این طرز تفکر جلوی عملکردتان را می‌گیرد.

انتظار و توقع، ابزاری بسیار قدرتمند است. مطالعات بطور مداوم بر تأثیر پلاسیبو (هم مثبت و هم منفی) تأکید می‌کند که با قدرت انتظارات و توقعات شکل می‌گیرند. با این حال خرافات می‌توانند اثری منفی در زندگی‌مان بگذارند، مخصوصاً اگر با یک عادت بد مثل قمار همراه شوند. اگر قماربازی هستید که باور دارد می‌تواند شانس بیاورد، این باور باعث ایجاد مشکل می‌شود. ویز بر این عقیده است: خرافات ترس‌آور هم ممکن است در زندگی‌مان ایجاد مشکل کرده و اضطراب‌های زیادی برایمان به وجود آورد. مانند افرادی که از روز سیزدهم ماه می‌ترسند و به خاطر آن، روز پروازشان را تغییر می‌دهند یا قرار ملاقات‌هایشان را لغو می‌کنند؛ این نمونه باورها هیچ فایده‌ای برای شخص در بر ندارد.

ویز (۲۰۰۷)؛ به طور کلی زنان خرافاتی تر از مردها هستند. خانم‌ها معمولاً بیشتر دچار اضطراب می‌شوند یا حداقل می‌توان گفت بیشتر به خاطر این اضطرابات به متخصص مراجعه می‌کنند.

گرچه متغیرهای شخصیتی عامل مهمی در ایجاد خرافات و باورها نیست اما شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد اگر نسبت به افراد عادی مضطرب‌تر باشید، احتمال اینکه خرافاتی تر باشید بیشتر است. منبع کنترل ما می‌تواند یک عامل مهم در خرافاتی بودن ما باشد. اگر یک منبع کنترل درونی داشته باشید، باور خواهید داشت که مسئول همه چیز هستید؛ باور خواهید داشت که مسئول سرنوشت خود هستید و می‌توانید موجب بروز اتفاقات شوید. اگر منبع کنترلتان بیرونی باشد، این زندگی است که اتفاقات را برای شما به وجود می‌آورد. آنهایی که منبع کنترلشان بیرونی است بیشتر خرافاتی هستند و به سمت باورهای عموم سوق داده می‌شوند؛ دلیل آن هم این است که می‌خواهند قدرت بیشتری روی زندگی‌شان پیدا کنند.

یک دلیل این که زن‌ها بیشتر از مردها خرافاتی هستند این است که زن‌ها حتی در جامعه مدرن امروزی تصور می‌کنند که نسبت به مردان تسلط کمتری بر سرنوشتشان دارند.

مطالعات نشان می‌دهد که هوش تأثیر چندانی بر خرافاتی شدن افراد ندارد. در دانشگاه هاروارد که پر از آدم‌های بسیار باهوش است دانش‌جویان مرتب روی پای مجسمه جان هاروارد را برای خوش‌شانسی لمس می‌کنند. به‌طور کلی، خرافات، مثل سایر آیین‌ها، می‌تواند بخشی از یک فرهنگ یک جامعه و ملیت شود و می‌تواند به نزدیک کردن انسان‌ها به همدیگر هم کمک کند. اکثر آدم‌های خرافاتی، افراد کاملاً طبیعی هستند و هیچ مشکلی ندارند (ویز، ۲۰۰۷)

نتیجه‌گیری

خرافات در هر قوم و ملتی جایگاه خاص خود را دارد حتی امروزه که اغلب حوادث و مسائل را می‌توان با رویکرد علم حل نمود و با نگاهی اندیشمندانه و عالمانه به آن‌ها نگریت ولی هنوز عده‌ای وجود دارند که به خرافات باقی‌مانده از نسل پیش از خود پایبند هستند و در فرآیند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری آن‌ها را به نسل بعد از خود انتقال می‌دهند. به همین منظور شناخت دقیق‌تر از موضوع می‌تواند فرایند جامعه‌پذیری را با آگاهی بیشتری همراه سازد. فرایند جامعه‌پذیری در نسل قدیمی‌تر همراه با افسانه‌هایی بوده است که بیشتر رنگ و بوی خرافات دارد. در حالی که در نسل جدیدتر، فرایند جامعه‌پذیری به‌گونه‌ای است که کمتر به مسائل دور از ذهن توجه می‌شود. همچنین خرافات عمدتاً ریشه در جهل بشری دارد. ذهن افراد ناآگاه و کم‌سواد، قدرت تجزیه و تحلیل مسائل را نداشته و معمولاً اینگونه افراد به دنبال راحت‌ترین و سهل‌الوصول‌ترین راه، که البته همیشه درست‌ترین راه نمی‌باشد هستند. خرافات و باورهای عام از این قبیل مسائل است، بنابراین با افزایش در علم و آگاهی و سطح تحصیلات گره‌های تلخ و ناخوشایند خرافات سست می‌شود.

Brian Leslie Weiss⁸

همچنین یکی از شاخص‌های رفاه عمومی، داشتن درآمد بالا می‌باشد بنابراین با افزایش شکاف طبقاتی و افزایش طبقه فقیر به احتمال زیاد باورهای خرافاتی بیشتر رواج می‌یابند. کنش اجتماعی یکی از موضوعات مهم در علوم اجتماعی به‌طور عام؛ و در حوزه جامعه‌شناسی، به‌طور خاص می‌باشد. در یک تقسیم‌بندی کلی از ماکس وبر، کنش‌های اجتماعی به کنش عقلانی، سنتی و عاطفی تقسیم می‌شود. آنچه که در دنیای کنونی اهمیت بسزایی دارد کنش عقلانی است. در کنش عقلانی افراد رفتار حسابگرانه‌ای دارند. لذا به اموری که عقل بشر را نقض کرده توجه نمی‌کنند. هرچقدر کنش افراد عقلانی‌تر است، گرایش به خرافات و تمام شاخص‌های آن کمتر می‌شود. افرادی که از ندگی خود رضایت دارند کمتر به فکر استفاده از بدیل‌ها هستند. یکی از بدیل‌هایی که می‌تواند برای افراد کارکردهای تخریب‌کننده و یا حداقل فاقد کارکرد باشد، متوسل شدن به بخت و اقبال به جای سعی و تلاش مستمر است.

خرافات یک پدیده روانی و اجتماعی است، هنگامی که عقل و خرد کنار گذاشته می‌شود، اوهام و خیالات به سراغ انسان می‌آید. اینجاست که باید منتظر ایجاد یک پدیده خرافی در جامعه بود. گاهی اوقات سایر افراد نیز برای هم‌رنگ شدن با جماعت، خود را ملزم به تبعیت از یک پدیده خرافی می‌کنند. خط عاطفی، ضعف پایه‌های اعتقادی، افسردگی، فرار از وضعیت موجود، عدم اعتماد و اطمینان، اضطراب و تشویش، ناکامی‌ها و ناامیدی از رسیدن به خواسته‌ها و آرزوها از جمله عوامل پناه بردن به خرافات در جامعه و دور شدن از واقعیت‌ها است. همچنین میزان سواد، محل زندگی، طبقه اجتماعی، الگوبرداری و پیروی از سبک زندگی از عوامل موثر در میزان گرایش به این مطالب شناخته شده است.

منابع

- افشانی، ع. (۱۳۸۵). تبیین جامعه‌شناختی گرایش به خرافات در ایران (مطالعه موردی: شهرهای اهواز، اصفهان و ایلام)، رساله دکتری، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- بوزان، ب. (۱۳۷۸) مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ویراستار: مجتبی عطارزاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مؤیدمحسنی، ک.؛ گروسی، س. و یوسفی، ف. (۱۳۹۷). «بررسی فراوانی اعتقاد به خرافات و عوامل مرتبط با آن در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، ش ۲۳، ص ۲۵-۳۶.
- قاسمی، ح.؛ بابازاده‌بائی، ع. و ابراهیمی، س. (۱۳۸۸). «کاوشی جامعه‌شناختی در وضعیت خرافه‌گرایی دانشجویان»، مجله راهبرد فرهنگ، ش ۵، ص ۱۰۷-۱۲۸.
- جهانشاهی افشار، ع. و شمس‌الدینی مطلق، م. (۱۳۹۳). «ریشه‌های خرافات و کارکرد آنها در فرهنگ مردم (مورد مطالعه: باورهای مردم کرمان)»، دو فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، س ۲، ش ۳، ص ۴۹-۷۷.
- ربیعی، ک. (۱۳۹۱). توسعه اجتماعی-اقتصادی و تأثیرات بر تلقی افراد از امر خرافی، مطالعه موردی: شهرستان‌های استان اصفهان، رساله دکتری، رشته جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ساروخانی، ک. (۱۳۹۹). بدعت‌ها و خرافات استان اصفهان، اصفهان: حوزه علمی قم، دفتر تبلیغات اسلامی، شعبه استان اصفهان.
- فروغی، (۱۳۹۶). «کنکاشی در تلقی افراد از چیستی خرافات و عوامل مؤثر بر آن، مطالعه موردی: شهرستان‌های استان اصفهان»، دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، س ۵، ش ۲، ص ۷۳-۱۰۲.
- داودیان، ح. و امین‌پور، ح. (۱۳۹۰). آزمون‌های روان‌شناختی، تهران: انتشارات آبیژ.
- شعبی، ع.؛ زارع، ح. و عمادی، م. (۱۳۹۴). «عوامل مؤثر بر گرایش به خرافات در بین بازیکنان فوتبال ایران»، فصلنامه مدیریت و توسعه ورزش، س ۶، ش ۲، ص ۳۱-۴۵.

- صرفی، الف. و ترکان، ر. (۱۳۹۴). «بررسی رابطه احساس امنیت اجتماعی و نظام ارزشی جوانان (مطالعه‌ای درباره دانشجویان دانشگاه یزد)»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، د ۹، ش ۱، ص ۱۰۳-۱۲۷.
- شمس، غ. و خلیجیان، ص. (۱۳۹۲). «تأثیر مولفه‌های رهبری امنیت‌مدار بر احساس امنیت روانی کارکنان: نقش میانجی اثر بخشی رهبری»، فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، د ۹، ش ۴، ص ۳۳-۵۳.
- مرادی رستگار، ح؛ جباری والا، م؛ شمخانی، ا. و ظهیری برازنده، ا. (۱۳۹۷). «میزان گرایش دانشجویان به باورهای خرافی (مطالعه موردی: دانشگاه پیام‌نور مرکز همدان)»، فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی همدان، س ۴، ش ۱۵، ص ۶۷-۹۰.
- وبر، م. (۱۳۷۳) اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، ترجمه: عبدالمعبود انصاری، تهران: سمت.
- جاهودا، گوستاو (۲۰۰۰)، روانشناسی خرافات، محمدنقی براهنی، نشر نو، تهران.
- مک کوایل، دنیس و سونوی ندال (۲۰۱۱)، مدلهای ارتباطات جمعی، مترجم گودرز میرانی، دفتر پژوهشهای رادیو.
- وبر، ماکس (۲۰۱۹)، سازمان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه: محسن ثلاثی، نی، تهران.
- Halla, M. Liu, CH. and Liu, J. (2019) "The Effect of Superstition of Health: Evidence from the Taiwanese Ghost Month", IZA Institute of Labor Economics, 12066:1-44.
- Inglehart. R. F. (2016) Modernization, existential security and cultural change: reshaping human motivation and society, Forthcoming in M. Gelfand, C.Y. Chiu and Y-Y Hong (Eds.) Advances in Culture and Psychology Oxford Univ Press.
- Markle, D. T. (2007) The magic that binds us: stress and superstition, Master's Thesis, University of New York at New Paltz.
- Haq Kayani, A. U. (2011) Fatalism, superstition, religion, and culture: road user beliefs and behavior in Pakistan, University of Technology Brisbane, Australia.
- Sagone, E. and Elvira De Caroli, M. (2015) "Beliefs About Superstition and Luck in External Believers University Students", Procedia - Social and Behavioral Sciences, 191: 366 – 371.
- Shuihung, W. (2009) Does superstition help? A study on the relationship among superstitions, death beliefs, personality, and death anxiety of university students in Hong Kong, University of Hong Kong, In the department of applied social studies, Master's Thesis, The postgraduate